

نامه خصوصی و محرمانه

نوشته : علی اکبر جلیلووند

جعفر قلی خان سهام الدوله



به میرزا نصرالله

خان مشیرالدوله

جعفر قلی خان
سهام الدوله

میرزا نصرالله خان
مشیرالدوله

شرح مداخلات علنی و تعدیات مأمورین روسیه تزاری در تمام شئون مملکت ایران از زمان عقد قرارداد ترکمانچای تا خاتمه حکومت تزارها محتاج توضیح و توصیف نیست و همگان بر آن آگاهند .

این مداخلات بدلائلی که ذکر آن حوصله و مجال دیگری می خواهد در سالهای آخر سلطنت مظفر الدین شاه بمراتب بیشتر و علنی تر شده بود و چون عده ای از اطرافیان ولیعهد « محمدعلی میرزا » در تبریز تحت نفوذ مأمورین دولت تزاری بودند و شخص ولیعهد هم بجهاتی نسبت بسیاست روسیه تزاری ابراز تمایل می نمود مداخلات عمال آن

دولت در صفحات آذربایجان و بخصوص در مناطق مرزی بیشتر و شدیدتر از سایر نقاط ایران بنظر میرسید .

از جمله در ناحیه اردبیل و طالش و خلخال که مجاور مرز روسیه و محل سکونت طوایف و ایلات مختلف شاهسون است ، مداخلات مأمورین تزاری مشکلات زیادی برای مأمورین دولت مرکزی فراهم می ساخت و اهالی آن خطه را پیوسته در معرض درد سر و مرارت قرار می داد .

آن زمان ایلات و طوایف ساکن حدود مرز ایران و روسیه اکثراً مسلح بودند و اطاعت چندانی از حکومت مرکزی نداشتند و چون قوه دفاعیه و تأمینیه مملکت هم ضعیف بود ، عشایر مزبور غالباً به راهزنی و غارت و تظاولدهات پرداخته ، حتی گاهی

به شهرهای مجاور تجاوز می کردند و من حیث المجموع موجبات نا امنی و اغتشاش و خرابی آن صفحات را فراهم می ساختند .

اگر چه این اشخاص غالباً از حمایت مأمورین دولت تزاری برخوردار بوده این اعمال را بیشتر به تحریک آنان مرتکب میشدند ولی همواره این اوضاع مستمسکی بود برای بهانه جوئی های بی اساس و ادعای خسارات واهی مأمورین حکومت تزاری از دولت ایران .

فردیند و حکومت تزاری
در زمان سوزن کوه در صورت که حال صحت
بعضی از مأمورین روسیه در وقت سابق چون کاشان و
ایلام در آن زمان در آنجا حاضر خواهد بود و
کاشان را هم ، کاشان وقت است دارد و بیشتر از
هر روز که اجازت مأمورین تزاری آن به جهت
حجرت است در روز دوشنبه در آنجا حاضر
مستقر است که آنجا در صحت است و در آن
ایلام در آنجا حاضر خواهد بود و بیشتر از
فردیند و حکومت تزاری ، ایلام و کاشان
صحت است و در آنجا حاضر خواهد بود و بیشتر
از آنکه در آنجا حاضر خواهد بود و بیشتر
خبر مأمورین تزاری در آنجا حاضر خواهد بود
و در آنجا حاضر خواهد بود و بیشتر از
کاشان و ایلام و کاشان و ایلام و کاشان
کاشان و ایلام و کاشان و ایلام و کاشان

از دیداد نفوذ مأمورین روسیه و دخالت های خودسرانه آنان در همه امور و حمایتی که از اعمال خلاف قانون اتباع و عوامل خود می کردند ، باعث شده بود که اشخاص ماجرا جو و مزاحم و فرصت طلب از طبقات مختلف ، یا با قبول تبعیت روسیه یا به اتکاء وابستگی به آن دولت ، از هیچگونه اجحاف و تعدی و تجاوز و شرارتی در حق مردم فروگذار

نکنند ، و هر زمان که حکام یا سایر مأمورین دولت ایران می‌خواستند از اعمال خلاف آنان جلوگیری کنند با مخالفت و ممانعت مأمورین دولت تزاری مواجه می‌گشتند. طبق اسناد و مدارک موجود بکرات دیده شده است که مأمورین حکومت تزاری امر کوچکی را به‌آه کرده و توسط سفارت روسیه در طهران ، و کنسولگری روس در تبریز ، و نماینده محلی آنها « اگنت » در محل ، حکومت و ولیمهد و وزارت امور خارجه و گاه شخص شاه را تحت فشار قرار می‌دادند.

بدبختانه ضعف حکومت مرکزی در آن ایام و توسعه روز افزون نفوذ سیاستهای استعماری همسایگان شمالی و جنوبی وضعی را ایجاد کرده بود که این اعمال عادی جلوه می‌کرد و عموماً مقابله جدی با آن را تقریباً غیر ممکن می‌دانستند .

نگارنده در بین اسناد و کاغذهای خانوادگی به نامه‌ها و تلگرافات و مدارکی برخورد کرد که مربوط به اواخر سال ۱۳۲۳ و اوائل سال ۱۳۲۴ هجری قمری است ، زمانی که جعفر قلی خان سهام الدوله امیر تومان از تهران به سمت حکمران اردبیل و صفات و خلخال و طالش و مشکین ، مأموریت یافته و قریب یکسال در آن حدود حکومت کرده است . مشارالیه در این مدت ، مکرر با مداخلات بیجای مأمورین دولت تزاری در امور محلی و داخلی حوزه حکومت خود روبرو بوده و چون حاضر به انجام توقعات آنها نمیشده ، بلکه از اقدامات بی رویه ایشان جلوگیری می‌کرده است ، مأمورین دولت تزاری طی شکایات و مکاتبات زیادی در این خصوص به طهران و تبریز تمویض حکومت را خواستار شده‌اند که مطالعه این اسناد تصویر روشنی از اوضاع نابسامان آن ایام و درجه ضعف دولت مرکزی و نفوذ روز افزون دولت روسیه تزاری را در کشور ما بدست می‌دهد.

از جمله مدارک و اسناد مزبور سوادنامه‌ایست که سهام الدوله در ماه صفر ۱۳۲۴ هـ. ق. از دشت سفان بطور خصوصی و محرمانه بدوست دیرین و مورد احترام و اعتقاد خود ، میرزا نصرالله خان مشیرالدوله وزیر امور خارجه وقت مینویسد .

در این نامه از توقعات بی اساس مأمورین روسیه و تجاوزات آنان بحقوق مسلم دولت ایران و وضع آشفته آن صفحات و همچنین از عدم توجه و علاقه مأمورین تبریز و بخصوص کارگذاری مرکز آذربایجان نسبت به حفظ مدفع مملکت شرحی مفذکره میشود و نگرانی خود را اظهار و از مشیرالدوله تقاضا می‌کند که برای جلوگیری از توسعه روز افزون نفوذ روسها و ازدیاد مالکیت تبعه آنها در آذربایجان اقدام اساسی بعمل آید . همچنین مفذکره میشود که اگر هر چه زودتر چاره‌ای در این خصوص نشود بعداً جلوگیری از آن غیر ممکن خواهد بود و مفاسد و مضار بیشتری به بار خواهد آورد .

مطالعه این نامه در عین حال که موجب تأثر خواهد شد، شاید خالی از فایده نباشد. ولی بدواً لازم می‌داند ذهن خوانندگان محترم را مسبوق دارد که در آن زمان هر ساله کمیسیون مرکب از حکومت و کارگذار اردبیل و عده‌یی از مأمورین معتبر محلی که جمعی از صاحب‌منصبان و افراد قشون آن ایام را نیز همراه داشتند و تقریباً اردوی کوچکی را تشکیل می‌دادند با شرکت کمیسر و مأمورین سرحدی و محلی دولت روسیه در دشت مغان تشکیل میشد تا بدعاوی رعایای طرفین رسیدگی کند. و ادعاهائی که از بابت قیمت اغنام و احشام و اموال سرقت شده بوسیله ایلات تبعه طرفین میشده است و همچنین استرداد مجرمین و سارقینی که در خاک دو کشور بین ایلات آن حدود مخفی یا متواری شده بودند، دعاوی مختلف ایلات ساکن دو طرف رود ارس بریکدیگر و سایر مطالب مورد اختلاف مربوط بدعاوی تبعه طرفین مقیم اطراف مرز، در آن کمیسیون مطرح و مورد رسیدگی و حل و فصل قرار می‌گرفت و باصطلاح زمان «قطع عمل» میشد. بدیهی است با نفوذی که مأمورین روسیه در ایران بخصوص در آذربایجان و نقاط سرحدی داشتند و با حمایتی که تبریز از آنها می‌کرده است بعضی از حکام و مأمورین ایرانی که می‌خواستند برای احقاق حقوق تبعه ایران و حفظ منافع دولت و مملکت با فشاری کنند با چه محظورات و مشکلاتی روبرو می‌شدند.

در این کمیسیون که بسال ۱۳۲۴ قمری در دشت مغان برای رسیدگی بمطالب مزبور تشکیل شده است حکومت وقت «جعفرقلی خان سهام الدوله» و میرزا عبدالاحد خان اعتماد الاباله کارگذار اردبیل در مقابل بی‌حسابیها و توقعات بی‌جای مأمورین تزاری جداً ایستادگی می‌کنند. درحالی که از طرف مأمورین ایرانی مقیم تبریز بجای تقویت و پشتیبانی همه نوع کار شکنی در کار آنها میشده است و چون بدبختانه سالهای قبل هم کار این کمیسیون بواسطه بی‌علاقگی مأمورین دولت ایران بیشتر طبق نظر و منافع مأمورین روسیه و اتباع آن دولت انجام یافته بود، مشکلات بیشتری در مقابل داشته‌اند در هر حال این نامه از دشت مغان و در حین کار کمیسیون مزبور نوشته شده و تا اندازه‌ای مبین وضع نابسامان آن زمان و روشنگر تجاوزات و زورگویی‌های علنی مأمورین متجاوز دولت روسیه تزاری است.

نامه خصوصی و محرمانه جعفرقلی خان سهام الدوله به میرزا نصرالله

خان مشیر الدوله وزیر خارجه وقت

قربان وجود مسمودت شوم امیدوار است مزاج مبارک را نقاهتی نبوده بهصحت و کامیابی مقرون و از کراهات مصون باشد.

گرفتاری بدرجه ایست که مجال عرض حال نیست . قولنج هم همانطور که در عرض راه عارض بود مزمن و فرصت معالجه چون نیست گاه شدید و بعضی اوقات خفیف است ما هم در طرید و نبردیم تا خدا چه خواهد . هوای رطوبی مغان هم مزید درد بیدرمان است .

کار کمیسیون را هم با کمال دقت مراقبت دارد و بر سبیل استمرار مشغول پذیرائی هر روزه از اجزاء و مامورین سرحدی روس و با بی رغبتی از سر میز رفتن بنده مجبور است که همه روزه در میز صرف غذا با حضرات ، نماید .

از این طرف هم عجب تر این است که آنچه هم در هر چهار سال قطع عمل ، در این کمیسیون شده ، ابتدا پرداخت نشده و حالا عمل چهار ساله اگر وصول و ایصال شود ملاحظه فرمائید چقدر زحمت و مشقت خواهد داشت .

با این تنگی وقت شاهسون ها چهار سال و سه سال و دو سال و یک سال قبل آنچه برده و خورده اند یکدفعه باید بدهند .

این بار سنگین چه خواهد شد . . . حکام قبل فقط قطع عمل ، را کرده اند و رفته اند . از آن طرف هم عمل قطع شده را نقد و بر ذمه دولت می دانند و می گیرند . چنانکه چهار سال قبل از چاکران حضرت مستطاب اشرف اعظم اقدس والا (۱) روحنفاذاه گرفته اند . در هر کمیسیون هم که اعتماد الایاله نبوده است مثل سال گذشته اجزاء بی اطلاع حکومت بی رویه قطع عمل کرده ، بر خلاف معمول مثلاً قیمت اسب را که سی و پنج منات معمول بوده ، باختلاف از چهل و پنججا و هشتاد تا صد منات هم قطع کرده اند .

حالا یک زحمت هم امسال داریم که باز می خواهند عمل سال گذشته را معمول دارند ، بنده زیر بار نرفته ام و در مذاکرات هستم و گفته ام پارسال بی قاعده بوده همان معمول سابق صحیح است تا چه شود .

بیچاره اعتماد الایاله که با حالت ناخوشی و این همه کار طوری جان می کند که جز غیر تمندی و فدویت بشخص حضرتعالی هیچ تصویری نمی توان کرد اگر امسال هم بنده

نمی‌آمد بواسطه بی ترتیبی کار ، باز مثل پارسال ایشان هم نمی‌آمد .

حالا هم باتب و کسالت و مرض ، دقیقه‌ای غفلت ندارد با این حالت و زحمت و خسارت ها و غیر تمندی و درستی عجب است که موجب سال گذشته او نرسیده است . لازم است بذل توجهی در تشویق این شخص بفرمایند که واقماً حیف است دماغش بسوزد ، کمتر به این صحت و غیرت اجزاء داریم حضرت مستطاب عالی بهتر او را شناخته و مرحمت خواهند فرمود . کارگذاری مرکز آذربایجان هم اصراری در ضدیت و اذیت و تغییر او و کارشکنی ها دارند ، محرمانه عرض می‌نمایم که روسها راجدا اغوی می‌نمایند که شکایت و بهانه جوئی از او بنمایند .

اعتماد هم چون غیور و درستکار است ، زیر بار کج و نا حساب آنها نمی‌رود و مجاب می‌نماید و نمی‌گذارد که بغیر حق معامله نمایند ، این است که آنها هم با کارگذار در ضدیت اعتماد همراهند ، ملاحظه فرمائید چقدر غیر تمندی از اعتماد ملاحظه می‌شود که بنده با آن تند و تلخی ، در مذاکرات مابین او و واگنت ، جلوگیری و ملایمت دارد که چون مطالب اعتماد حق و تلخ است پس باید به شیرینی و ملایمت اظهار کرد .

باری وضع تبیه روس هم در اردبیل قسمی است که شرح آن بعد عرض خواهد شد . حالا هم که دیده‌اند بنده در کارها حقاً بی ملاحظه اقدامات دارد تا یکدرجه هم چون بصیرت داشته بی اطلاع اعتماد هم کار نمی‌گذرد باز اوقاتشان تلخ است خاصه دو فقره سندساختگی شان را باعث و واضح نمود و مسئله اجاره ملک معزز الملک را هم چون اساساً حق ندارد مساعدت ندارم و می‌گویم باید چیزی هم از این طرف بگیرند فسخ شود . گاهی تبریز می‌روند ، گاهی از نایب الحکومه شکایت می‌نمایند ، گاه به خصوصیت می‌پردازند ، با همه این تفصیلات ظاهراً انشاءالله بمهربانی و باطناً بصحت کار خواهد شد ولی این مسئله راه خیلی محرمانه عرض می‌کنم چون بنده واسطه کار کارگذاری تبریز بدو بود عقیده خوبی هم داشت که یقین کار آنجا بروفق میل و سلمه حقه حضرت مستطاب عالی خواهد شد در این مسافرت آذربایجان با اینکه هشت روز بیش در تبریز توقف نکرد ، ولی از توسط خود در حضور حضرت عالی در این مورد ، شهدالله بقدری خجل و منفعل شد که حد ندارد ، چون نمی‌توان بعضی عرایض نمود همینقدر محرمانه عرض می‌نمایم که بسرمبار کتبان اصل اساس کارهای آن سامان بدرجه‌ای مختل است که وقتی تصور می‌شود اسباب تأثر و رقت است .

همینقدر عرض می‌کنم که توجهی در ممنوعیت خریداری املاک و اجاره تبیه خارجه خیلی محرمانه در پرده بفرمائید که وضع بسیار بد شده و علاقه ملکی تبیه خارجه بقدری شده است که گمان ندارم دیگر جلوگیری بتوان کرد ، اقلاً بعدها ممنوع باشد تا بعد ترتیبی برای تسویه کار سابقه خریداری املاک بشود .

باقی مسائل را دیگر عرض نمی‌نمایم ولی در عالم ارادت این قدر محرمانه واجب دانست بر عرض برساند مستدعی است این عرض را هم از بنده ندانند که شده است زیرا که تولید زحمت برای بنده خواهد شد . امر ، امر ، حضرت عالی است .